



نشست علمی - پژوهشی
محدوده آزادی بیان و جرم انگاری

اهانت به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ



شناسنامه نشست علمی - پژوهشی:

شماره نشست: ۴

نوع نشست: عمومی

استاد نشست: جناب آقای آقابابایی

دبیر علمی نشست: جناب آقای بحرینی

تعداد شرکت کنندگان: ۲۰۰ نفر

زمان: پنجشنبه مورخ ۱۳۹۱/۰۹/۲۳

مکان: سالن حسینیه موسسه آموزش عالی بنت الهدی

اهم اقدامات انجام شده:

۱. هماهنگی با گروه علمی - تربیتی حقوق جهت معرفی استاد و دبیر علمی نشست؛
۲. سفارش طراحی و چاپ پوستر و بنرهای تبلیغاتی نشست؛
۳. اطلاع رسانی در سطح موسسه؛
۴. هماهنگی سالن برگزاری نشست از لحاظ نور، صوت، تهویه و ...؛
۵. ثبت و ضبط نشست؛
۶. پیاده سازی متن سخنرانی استاد؛

اهم مباحث مطرح شده:

پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «در جستجوی علم و دانش، یار و پشتیبان همدیگر باشید. بعضی از شما علمش را بر دیگری کتمان نکند که خیانت کردن در علم، از خیانت در مال سخت‌تر است».

از این حدیث به دست می‌آید که یکی از رسالت‌های مهم طلاب، دانش‌پژوهان و معلمان این است که امانت‌داری کنند و امانت‌داری علم در این است که آن را به دیگری انتقال دهند. در حدیث دیگری آمده است:

مثل مؤمنان در اجتماع، مانند پیکره و بدن انسان است. در دوستی‌ها و ترحم و مهرورزی نسبت به یکدیگر، مانند اعضای یک پیکرند که اگر یکی از آن اعضا به درد آید، سایر اعضا نیز به درد می‌آید و سایر اعضا را نیز تب می‌گیرد.

موضوعی که بررسی خواهد شد، آزادی بیان و مبانی جرم‌انگاری توهین به مقدسات است. به دلیل کمبود زمان، برخی بحث‌ها خلاصه می‌شود و به منابع ارجاع داده می‌شود.

مهم‌ترین مبحثی که در این جلسه بررسی خواهد شد، توهین به پیامبر اکرم(ص) است و اینکه در این مورد، آنچه در فقه مطرح است، با قوانین و انتظار جامعه جهانی، متفاوت است و به دلیل این تفاوت، این سه دیدگاه مطرح و مقایسه می‌شود.

در مورد بحث آزادی بیان که هم در قانون اساسی و هم در کتب و اسناد بین‌المللی آمده، باید دانست که آزادی مطلق وجود ندارد و آزادی بیان هم باید منوط به این باشد که به دیگران صدمه وارد نشود. اگر بنا باشد به نام آزادی بیان، به مقدسات یا اعتقادات عده‌ای توهین شود، این آزادی خدشه‌دار است. در غرب هم اگرچه آزادی بیان مطرح شده است و تصریح می‌کند که این آزادی تا جایی است که توهین به مقدسات نباشد، ولی توهین به مقدسات را در توهین به دین مسیحیت محدود می‌کند؛ یعنی آزادی بیانی که به دین مسیحیت توهین کند، خلاف است و توهین به ادیان دیگر را ایراد نمی‌دانند.

این مسئله را آقای میرمحمد صادقی در کتاب خود با اسناد و مدارک بررسی کرده است. ایشان گفته: «سلمان رشدی از آزادی بیان استفاده کرده و به مقدسات مسلمانان توهین کرده است. به دنبال شکایاتی که شد، دادگاه بیان می‌کند که قوانین موجود، در مورد توهین به مسیحیت است. لذا از نظر ما سلمان رشدی قابل محاکمه نیست».

موارد از این دست را در کتابی که معرفی شد و دیگر منابع می‌توانید مطالعه کنید. آزادی بیان چیزی نیست که کسی بخواهد جلو آن را بگیرد. رفتار امامان و پیامبر اکرم(ص) نشان از آزادی بیان داشته و ما نیز باید آن را حفظ کنیم، ولی آزادی بیان نباید به توهین به مقدسات بینجامد.

تا اینجا در مورد مبانی توهین به مقدسات بین غرب و اسلام تفاوتی وجود ندارد. این مطلب نیز که توهین به مقدسات جرم است، چه در غرب و چه در اسلام، امری مسلم است.

از نظر فقهی، توهین به پیامبر جرم است. کسی که مرتکب این عمل شود، مستوجب مرگ است. این حکم فقهی وارد قانون نیز شده است که عاقبت توهین به پیامبر اکرم(ص) مرگ است. به همین شکل در قانون ایران و سایر کشورهای اسلامی نیز وارد شده است. تا اینجا بحث، پیچیده نیست، اما برای اجرای این قانون چند مشکل وجود دارد؛ یکی قوانین فراملی، دوم، مسأله فقهی و دیگری قوانین داخلی است.

در اسناد بین‌المللی فرض بر این است که هیچ‌کس را نمی‌توان بدون محاکمه و بدون دادن حق دفاع، محکوم کرد و مجازات نمود. اینکه مردم خود تصمیم بگیرند و کسی را مجازات کنند، برخلاف قوانین بین‌المللی است. ایران و بسیاری از کشورها متعهد شده‌اند که به این قانون احترام بگذارند. پس یکی از ابهام‌های مجازات توهین‌کنندگان به پیامبر، قوانین فراملی و فرامذهبی است؛ زیرا در قوانین بین‌المللی مجازات فراقضایی پذیرفته شده نیست.

از نظر فقهی نیز اگرچه توهین به پیامبر جرم است و مجازاتش مرگ است، ولی چند ابهام وجود دارد. یکی این است که مجری حکم کیست؟ برخی می‌گویند کسی که توهین را می‌شنود، باید شخصاً توهین‌کننده را مجازات

کند. بعضی می‌گویند هر که از این توهین باخبر شد، باید توهین‌کننده را مجازات کند. نظر سوم این است که مجازات چنین کسی فقط در صلاحیت حکومت است. بدیهی است که دیدگاه اول و دوم، مجازات فراقضایی است و از نظر بین‌المللی مردود است؛ زیرا بدون تشکیل دادگاه و محاکمه قضایی، حکم اجرا شده است.

فقهایی که می‌گویند شنونده خود باید مجازات کند، شرطی هم گذاشته‌اند و گفته‌اند: به شرطی که ضرر نداشته باشد. حال این پرسش مطرح می‌شود که ضرر چیست؟ آیا فقط خسارت جانی، ضرر محسوب می‌شود و یا مثلاً حبس و... نیز از مصادیق ضرر است؟ آیا فقط ضرر فردی، ضرر است، یا ضرر اجتماعی نیز در این حکم فقهی می‌گنجد؟ کسی می‌داند که اگر اقدام کند، حتماً به فرد توهین‌کننده دسترسی پیدا می‌کند و او را خواهد کشت، ولی بعد نمی‌تواند حرف خود را ثابت کند و اگر دادگاهی تشکیل شود، محکوم خواهد شد. وظیفه این شخص چیست؟

باز پرسش دیگری مطرح می‌شود: کسی که به پیامبر توهین می‌کند و کشته می‌شود، آیا به این دلیل که مرتد است، کشته می‌شود یا دلیل دیگری دارد؟ بعید نیست مسلمانی که از دین برگشته و به پیامبر توهین کرده، به دلیل ارتدادش کشته می‌شود؛ زیرا یکی از ضروریات دین را منکر شده و چنین کسی مرتد است. با این پاسخ، این ابهام مطرح می‌شود که برخی از توهین‌کنندگان حق توبه دارند. با این افراد چه باید کرد؟ اگر حکم قتل چنین کسی را نه از باب ارتداد، بلکه حکم خاص بدانیم؛ یعنی اگر توبه هم بکند، سودی برای وی نخواهد داشت، این مشکل نیز حل خواهد شد.

در مورد حدی یا غیر حدی بودن مجازات کسی که به پیامبر توهین می‌کند، برخی گفته‌اند حدی است. بنابراین اجرای حد نیز در اختیار حاکم اسلامی است. پس افراد نمی‌توانند خود اقدام کنند. درباره اینکه توهین‌کننده، پیامبر را می‌شناسد یا بدون شناخت توهین می‌کند، حکم چیست؟ برای مثال در کشورهای غربی، پیامبر ما را چندان نمی‌شناسند. حال اگر کسی بدون شناختن پیامبر به ایشان توهین کرد، تکلیف چیست؟ آیا توهین‌کننده باید مسلمان باشد تا مجازات شود یا خیر؟

پس می‌بینیم که برای اجرای مجازات چنین کسی، شرایط متعددی را باید در نظر گرفت؛ مسلمان است یا خیر؟ توبه کرده یا نه؟ و...

جمع‌بندی سخن تا اینجا این است که در فقه، مجازات توهین‌کننده را مرگ تعیین کرده‌اند، ولی به جزییات و شروط آن توجه کافی نشده است. اگر بدون توجه به این شرایط، قانون بنویسیم، به نام دفاع از پیامبر، خود را زیر سؤال برده‌ایم؛ یعنی بر ما ایراد خواهند گرفت که چرا بدون محاکمه و تشکیل دادگاه و بدون دادن حق دفاع، فردی را کشته‌اید؟

برای حل این مسأله گامی از سوی کشورهای غربی باید برداشته شود و گامی هم ما باید برداریم. غرب باید بپذیرد که توهین به مقدسات جرم است و این مقدسات، مربوط به هر دینی که باشد، مقدس است و توهین‌کننده باید مجازات شود. ما نیز باید محاکمه این فرد را در چارچوب دادگاه و قانون بپذیریم تا گرفتار تهمت محاکمه فراقضایی نشویم.

البته باید این پیشنهاد را از این بُعد که آیا مبنای فقهی دارد، یا نظری شخصی است که می‌خواهیم این‌گونه باشد، بررسی نمود. این نظر اگرچه با برخی قوانین فقهی ناسازگار است، ولی خود مبنای فقهی دارد. باید این نکته را آموخت؛ زیرا برای دفاع از دین و پیامبر، باید از مبانی فقهی استفاده کرد.

در ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی آمده است: «هر کس به مقدسات اسلام و یا هر یک از انبیای عظام یا ائمه طاهرين یا حضرت صدیقه طاهره اهانت نماید، اگر مشمول حکم «ساب النبی» باشد، اعدام می‌شود». باز در این قانون ابهام وجود دارد که آیا مجازات به دست افراد است یا به دست حکومت.

در فقه، برخی گفته‌اند کشتن چنین کسی واجب است و نیازی به اذن حاکم ندارد. برخی دیگر گفته‌اند تعزیر می‌شود؛ اگر توبه کرد که هیچ، ولی اگر توبه نکرد کشته می‌شود. برخی دیگر داستان خوارج را مطرح می‌کنند و می‌گویند شمشیر کشیدن علیه امام، بسیار بالاتر از توهین است. با این وجود، حضرت امیر مؤمنان آنان را دعوت به توبه کرد. البته می‌توان گفت امام از حق شخصی خود گذشت، ولی ما حق نداریم از آن بگذریم. محقق

اردبیلی در کتاب خود این احتمال را مطرح می‌کند که چه بسا بتوان توهین‌کننده را دعوت به توبه نمود و اگر توبه نکرد، مجازات بعدی را اجرا کرد. عده‌ای دیگر می‌گویند توبه مجرم، اثری ندارد و توهین‌کننده به پیامبر اگر توبه نیز بکند، باید مجازات شود. نظر این دسته از فقها این است که کشتن این فرد از باب ارتداد نیست، بلکه حکم خاص است و اگر توبه نیز بکند، توبه‌اش پذیرفته نیست. در قانون ما نیز این نظر ملاک دانسته شده است؛ یعنی اصلاً مهم نیست که توهین‌کننده مرتد است یا خیر، مسلمان است یا غیر مسلمان. بلکه چون به مقدسات توهین کرده، مجازاتش مرگ است.

نظر عده‌ای دیگر بر این است که شنونده، جایز است اقدام کند، نه اینکه بر او واجب باشد. با پذیرفتن این سخن، حکم به کلی تغییر می‌کند. گروهی از فقها می‌گویند باید بررسی کرد که توهین‌کننده عامداً و عالماً توهین می‌کند یا به شخصیت پیامبر اکرم (ص) جاهل است؟ تشخیص این شرایط از عهده مردم عامه خارج است و آنان نمی‌توانند به قطع در این مورد قضاوت کنند.

برخی فقها در مواردی که خطری وجود دارد، جواز مجازات داده‌اند و برخی نه. از دیگر اختلاف‌های فقها، زمانی است که دشنام و توهین به صراحت نباشد، بلکه به کنایه توهین کند که برخی آن را مصداق توهین دانسته‌اند و گروهی آن را از نمونه‌های توهین بر نمی‌شمارند.

حال بحث مهم این است که مجری حکم کیست؟ شنونده است یا حاکم؟

گروهی از فقها گفته‌اند بر شنونده واجب است که اقدام کند. بعضی دیگر اقدام در این مورد را فقط در صلاحیت حاکم اسلامی دیده‌اند. برخی دیگر هم اقدام به کشتن توهین‌کننده را در اختیار حاکم اسلامی یا کسی که از او اذن دارد، می‌دانند. در کتاب *مختلف الشیعه* جلد نه، صفحه ۴۶۰، این نظر را از قول شیخ مفید نقل می‌کند که چون دشنام به پیامبر مستوجب حد است و حد را فقط باید حاکم اسلامی اجرا کند، بنابراین کشتن این فرد فقط به دست حاکم است. شیخ طوسی نیز نظر مفید را پذیرفته است.

در فقه آمده که اگر اجرای حکمی موجب ضرر اجتماعی شود، نمی‌توان حکم را اجرا نمود. برای نمونه در مورد کشتن فرد توهین‌کننده، ممکن است هر قاتلی بگوید که مقتول به پیامبر توهین کرد و به این دلیل او را کشتیم.

این روند، هرج و مرج را در جامعه رقم می‌زند. پس نمی‌توان برای آن مجوز قانونی صادر نمود.

این چندگانگی حکم، در سیره معصومان نیز به چشم می‌خورد؛ گاهی امامان، شخص دشنام‌دهنده و مجازات‌کننده را تعیین کرده‌اند، گاه به شخصی گفته‌اند فقط خود، حق کشتن فرد را داری و نه دیگری. گاهی نیز از کشتن نهی کرده‌اند. از همه اینها مهم‌تر اگر در کشتن یا نکشتن توهین‌کننده تردید کنیم، همین تردید در عدم جواز کافی است. به این دلیل که محل احتیاط در نفوس است و باید به احتیاط عمل نمود.

پس جمع‌بندی سخنان چنین می‌شود که مجازات توهین به پیامبر، مرگ است، اما به این شرط که دادگاهی برپا شود و فرد در آن محاکمه شود و در صورت محکومیت، حکم اجرا شود. در غیر این صورت هم ممکن است از نظر فقهی مورد خدشه باشد که پیش‌تر بحث شد و هم از نظر بین‌المللی و حفظ آبروی اسلام مشکل‌ساز خواهد شد. بر این اساس باید قانون به صورت کامل و مبرهن نوشته شود تا بتوان به خوبی از دین و پیامبر دفاع کرد.

پرسش و پاسخ

پرسش: اگر در کشوری قانونی نوشته شود، آیا آن قانون، مجوز اجرا دارد؟

پاسخ: قانونی بین‌المللی می‌گوید هر کشوری برای خودش و با توجه به شرایط خود، حق وضع قوانین و اجرای آنها را دارد که به آن حق حاکمیت سرزمینی می‌گویند. بر این اساس، هیچ کشوری حق ندارد برای کشور دیگری قانون بنویسد و یا قانون خود را در کشور دیگر اجرا نماید. به همین دلیل می‌بینیم که مثلاً مجازات اعدام در برخی کشورها قانونی است و در برخی دیگر از کشورها، غیر قانونی. استثنای این قانون نیز در مورد تبعه کشوری در کشور دیگر است که کشور اول می‌تواند قانون خود را در مورد تبعه خود در کشور دیگر اجرا نماید.

برخی از جرایم نیز در نظام بین‌الملل، جرم شناخته شده است. توزیع مواد مخدر این‌گونه است و در سطح جهان، آن را جرم می‌دانند. بنابراین، تبعه هر کشوری در هر کشوری که مرتکب چنین جرمی شود، طبق قانون همان کشور قابل مجازات است. ما نیز می‌گوییم توهین به مقدسات و از جمله توهین به پیامبر اکرم (ص) باید چنین جنبه‌ای پیدا کند تا اگر کسی مرتکب چنین جرمی شد، در هر کشوری - اسلامی یا غیر اسلامی - قابل پیگرد و مجازات باشد. این کار مستلزم نوشتن قانونی کامل و بدون ابهام است تا در هر نظام حقوقی قابل دفاع و اجرا باشد. اگر قانون، محکم، بدون ابهام و بدون ورود موارد فراقضایی نوشته شود، می‌توان با نظام‌های حقوقی غرب نیز مناظره کرد و پیروز از میدان خارج شد.

پرسش: اگر فردی آمریکایی به مسلمانی توهین کرد، آیا در کشور آمریکا او را مجازات می‌کنند، یا مسلمانان حق دارند او را مجازات کنند؟

پاسخ: کشورهای اسلامی باید به سمت جرم‌انگاری توهین به مقدسات (به شکل جهانی) پیش روند؛ یعنی مسلمانان باید جامعه آمریکا، مجامع بین‌المللی و سازمان ملل را به این سمت سوق دهند که توهین به مقدسات همه ادیان جرم است و مجرم باید مجازات شود، نه اینکه فقط گفته شود مثلاً توهین به مسیحیت جرم است. هم-اکنون چون چنین قوانینی جهانی نشده است، در کشورهای مختلف توهین به مقدسات دیگر ادیان و کشورها جرم نیست و توهین‌کنندگان مجازات نمی‌شوند.

گام اول این است که مسلمانان بگویند ما (برای مثال) به مسیحیت توهین نمی‌کنیم و توهین‌کننده به این دین را مجازات می‌نماییم و انتظار داریم کسانی که به اسلام توهین می‌کنند نیز مجازات شوند. چون این قدم هنوز برداشته نشده، طبیعی است که توهین‌کننده به اسلام در دیگر کشورها را به صورت قانونی مجازات نمی‌کنند.

پرسش: اگر در کشورهای دیگر، توهین‌کنندگان به دین اسلام مجازات نشدند، آیا خود مسلمانان حق مجازات آن افراد را دارند؟

پاسخ: از نظر حقوقی این حق به ما داده نمی‌شود؛ چون هر کشوری می‌تواند فقط در حیطة سرزمین خود قوانین کیفری مخصوص خود را پیاده کند. برای مثال نمی‌توان به استناد قانون ایران در کشوری دیگر، حکمی قانونی را اجرا کرد، اما اگر به استناد فقهی بخواهیم حکمی را اجرا کنیم، در برخی کشورها امکان دارد. در برخی کشورها با استناد به باورهای مذهبی، اگر کسی عملی مجرمانه مرتکب شد، مستحق جزا است.

پرسش: با توجه به مطالب گفته شده، چرا حکم اعدام سلمان رشدی که در کشوری دیگر مرتکب جرم شده بود، در ایران صادر شد؟

پاسخ: در مورد سلمان رشدی، نکته مهم این است که اگر این حکم از سوی سازمانی دولتی یا مرجع قضایی صادر شده بود، این اشکال به حکم اعدام سلمان رشدی وارد بود. درحالی که حکم اعدام سلمان رشدی، حکم قضایی نبود. بلکه این حکم، نظر امام خمینی(ره) بود که رهبری مذهبی بود. دلیل محکم بر این ادعا این است که پس از تعیین جایزه برای قتل سلمان رشدی، هیچ ارگان دولتی در تأمین این جایزه دخالت نکرد. بنابراین، باید توجه داشت که حکم اعدام سلمان رشدی، حکم قضایی یا دولتی نبود، بلکه حکمی مذهبی بود که از نظر علمای اسلامی، کسانی که مرتد می‌باشند، قتلشان جایز است.

پرسش: آیا توهین به مقدسات آن قدر مهم است که باید برای آن انسانی را کشت؟ آیا مجازات اعدام در این مورد مجازاتی است متناسب با جرم شخص؟

پاسخ: همین پرسش را باید از جوامع غرب پرسید. در همان جامعه، وقتی گالیله ادعا کرد که کره زمین به دور خورشید می‌چرخد، چون این نظر گالیله مخالف با مقدسات آن زمان کلیسا بود، در دادگاه‌های کلیسا او را محکوم به اعدام کردند. وقتی اظهار نظر علمی، متقن، قابل اثبات که ربطی هم به دین ندارد، با عقاید کلیسا هم‌سو نیست، محکوم به اعدام می‌شود، پس چرا توهین‌کننده به مقدسات اسلام نباید محکوم به اعدام شود؟ خواسته ما این است که توهین به مقدسات نیز جرم محسوب شود. حال حکم مجازات آن اگر اعدام نباشد، ولی باید مجازاتی برای آن در نظر گرفته شود که توهین به مقدسات را جزو آزادی بیان به شمار نیاورند.

در کشور ایران، توهین به ائمه معصومین(ع) از نظر فقهی مستحق اعدام و توهین به دیگر پیامبران الهی مستحق تعزیر می‌باشد. اینکه توهین به مقدسات را در کشور ایران جرم‌انگاری می‌کنند و اجازه نمی‌دهند به نام آزادی بیان به مقدسات توهین شود، نکته افتخارآمیزی برای کشور ایران است و دیگر افتخار ما این است که توهین به هر پیامبری را مشمول این حکم می‌دانیم و از نظر رعایت این حقوق، کشور ایران از دیگر کشورها جلوتر است. درباره نکته‌ای که در ابتدای بحث بیان شد (داشتن کمی اشکال فقهی در این مسئله)، باید به این نکته توجه داشت که زمانی امامان، بیان داشتند افراد عادی می‌توانند توهین‌کننده به مقدسات اسلام را بکشند که حکومتی نبود، یا اگر حکومتی بود، مورد تأیید معصوم(ع) نبود. از این رو، هنگام برقراری حکومت اسلامی این حکم تغییر کرده است. در روایت آمده است که اگر کسی حقش را با حکم حاکم جور گرفت، حتی اگر آن حکم درست بود، حق تصرف در آن حق را ندارد؛ زیرا آن حکومت مورد تأیید امام معصوم(ع) نیست. امام معصومی که حاکمیت جور را قبول ندارد، هر چند کارشان درست باشد، آیا انتظار می‌رود اجرای حکم اسلامی را به حکومت جور بدهد. در زمانی که حکومت اسلامی برقرار است، اگر هر کس بخواهد خودش توهین‌کننده به اسلام را مجازات کند، ممکن است این عمل درست نباشد.

پرسش: قوانین کشورهای اسلامی در سطح جهانی قابلیت اجرایی ندارد. آیا بهتر نیست این قوانین ابتدا در سطح جهانی ایجاد شود؟

پاسخ: این پیشنهاد خوب است، اما کشورهای اسلامی، کمی خود را باخته‌اند. آقای محقق داماد در چند مصاحبه بیان کرده است (و در پی مستندات آن برای نگارش است)، هنگام نگارش قوانین فرانسه، فرانسویان در کشورهای اسلامی تفحص کرده و قوانین این کشورها را استخراج کردند و کتاب و مجله را گرفته، ترجمه نموده و به نام قوانین فرانسه ثبت نموده‌اند. در حالی که ما قوانین فرانسه را گرفتیم و به آن عمل می‌کنیم. غریبان ابتدا قوانین اسلام را گرفتند و سپس آن را به خورد کشورهای اسلامی دادند. نکته اول این است که ما در نظام قانونی جهان تأثیرگذار بوده‌ایم.

نکته دوم این است که بحث از اسلام نیست، بلکه بحث از بشریت است.

کار دیگری نیز شما که غیرایرانی هستید، باید انجام دهید. مشکلی اساسی که شما باید آن را حل نمایید، این است که وقتی پرسشی در سطح جهانی مطرح می‌شود، متأسفانه مردم نمی‌توانند جواب بدهند و چون مردم نمی‌توانند جواب دهند، وقتی دولت‌ها پاسخ‌گو می‌شوند، کشورهای مخالف اظهار می‌کنند که پاسخ‌ها سیاسی است و آن را نمی‌پذیرند.

همیشه در کشورهای غربی، این مسئله بیان می‌شود که دولت جمهوری اسلامی ایران، زنان را وادار کرده‌اند که چادر بپوشند. وقتی دولت پاسخ می‌گوید که زنان مجبور نیستند، بلکه خودشان انتخاب کرده‌اند، چون این پاسخ از طرف دولت داده می‌شود، آن را نمی‌پذیرند. اسلام از زبان دولت‌ها نمی‌تواند جهانی شود. اسلام را ملت‌ها باید جهانی کنند.

وظیفه شما این است که احکام اسلام را به درستی یاد بگیرید و آن را به ملت‌های غیر مسلمان آموزش و انتقال دهید. آن روز، احکام اسلام جهانی می‌شود.

در کشورهای غربی این پرسش مطرح است که آیا حکومت می‌تواند مردم را ملزم به رعایت تعهداتی کند که بر اساس دین به هم داده‌اند؟

برای مثال زوجینی که در آمریکا ازدواج کرده‌اند، آیا می‌توانند تعهداتی مثل مهریه را که جزو قوانین آمریکا نیست، مطالبه کنند؟

پاسخ: بله می‌توانند.

پرسش: دیدگاه اهل سنت در این مورد چگونه است؟

پاسخ: اهل سنت در یک جا از ما جلو و در جایی دیگر عقب‌اند؛ از این نظر که حقوق‌دانان اهل سنت به فقه آشنایی دارند و اینکه مفتیان اهل سنت نیز به قوانین حقوقی اشراف دارند، کمی از ما جلوترند. دانشمندان آنها قوانین غرب را می‌گیرند، با احکام اسلامی مخلوط می‌کنند و ماده قانون می‌نویسند.

اشکال اساسی اهل سنت این است که سردمداران آنها و سران حکومت، تابع محض حکومت‌های غیردینی‌اند.

حکم اسلامی را در کتابشان می‌نویسند، ولی هرگز اجرا نمی‌کنند و از این نظر از ما عقب‌ترند.



تصاویر نشست

